

The Effectiveness of a Native Educational Counseling Package on the Quality of Parent-Child Relationships and Parenting Self-Efficacy

Nadereh Saadati¹, Zahra Yousefi*², Mohsen Golparvar³

Abstract

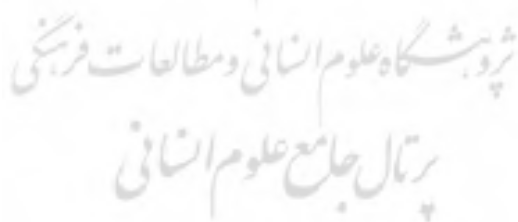
Purpose: The aim of this study was to determine the effectiveness of indigenous education package training on the quality of parent-child relationships and parenting self-efficacy of mothers with adolescent boys.

Methodology: The research method was quasi-experimental, pre-test-post-test and two-month follow-up with experimental and control groups. The statistical population of the study was mothers with adolescent boys aged 12 to 18 years in Isfahan in 2019, of which 87 mothers with lower parent-child relationships and parenting self-efficacy through Pianta (1994) parent-child relationship questionnaire, Parental self-efficacy Dumka, Strezinger, Jackson, and Rosa (1996) were screened for self-efficacy. Finally, 40 mothers were selected and randomly assigned to the experimental group (20 mothers) and the control group (20 mothers). Participants in both groups completed parent-child relationship questionnaires and parental self-efficacy in three stages. The experimental group received a native 90-minute training package (researcher-made) for 8 sessions. Data were analyzed by repeated measures analysis of variance in SPSS software version 24.

Findings: The results indicate the effect of the Indigenous Educational Counseling package on the score of the parent-child relationship ($P = 0.003$) with the effect size of 0.21, positive parenting self-efficacy ($P = 0.024$) with the effect size of 0.12, negative parenting self-efficacy ($P = 0.033$) with an effect size of 0.11 in the post-test stage and the stability of this effect was in the follow-up stage.

Conclusions: The results of the study suggest evidence that training this program to prevent and improve the relationship of each parent with their adolescent sons reduces negative parenting self-efficacy and improves the parent-child relationship so that we see less conflict between parents and adolescent boys in society; This research can be useful for psychotherapists and counselors in the field of adolescent counseling and choosing the type of intervention to educate parents.

Keywords: Native Education Counseling, Parent-Child Relationship, Parenting Self-Efficacy



1. PhD Student in Counseling, Department of Counseling, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Corresponding Author) Z.yousefi1393@khuisf.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

اثربخشی بسته مشاوره تربیتی بومی بر کیفیت روابط والد-فرزندی و خودکارآمدی والدگری بر مادران دارای پسر نوجوان

نادره سعادت^۱، زهرا یوسفی^{۲*}، محسن گل پرور^۳

چکیده

هدف: پژوهش تعیین اثربخشی آموزش بسته تربیتی بومی بر کیفیت روابط والد-فرزندی و خودکارآمدی والدگری بر مادران دارای پسر نوجوان بود.

روش: روش پژوهش از نوع نیمه آزمایشی، پیش آزمون-پس آزمون و پیگیری دو ماهه با گروه‌های آزمایش و گواه بود. جامعه آماری پژوهش مادران دارای نوجوان پسر ۱۲ تا ۱۸ سال شهر اصفهان در سال ۱۳۹۸ به تعداد ۷۸ نفر بودند که از بین آن‌ها ۴۰ مادر که روابط والد-فرزندی و خودکارآمدی والدگری پایین‌تری داشتند به روش هدفمند انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه مساوی جایگزین شدند. گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای بسته مشاوره تربیتی بومی (محقق ساخته) را دریافت کردند و گروه گواه در طول پژوهش هیچ مداخله‌ای را دریافت نکردند. شرکت‌کنندگان هر دو گروه پرسشنامه رابطه والد-فرزندی پیناتا (۱۹۹۴) و خودکارآمدی والدگری دومکا و همکاران (۱۹۹۶) را در سه مرحله تکمیل کردند. داده‌ها با روش تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر در نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج حاکی از تأثیر برنامه بسته مشاوره تربیتی بومی بر افزایش رابطه والد-فرزندی ($P=0/003$) و خودکارآمدی والدگری مثبت ($P=0/024$) و کاهش خودکارآمدی والدگری منفی ($P=0/033$) در مرحله پس آزمون و پایداری این تأثیر در مرحله پیگیری بود.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش شواهدی را پیشنهاد می‌کند که آموزش این برنامه برای پیشگیری و اصلاح روابط هر یک از والدین با پسران نوجوان خود موجب کاهش خودکارآمدی والدگری منفی و بهبود رابطه والد-فرزندی شده تا کمتر شاهد تعارض بین والدین و پسران نوجوان جامعه باشیم؛ این پژوهش می‌تواند برای روان‌درمانگران و مشاوران در حوزه مشاوره نوجوان و انتخاب نوع مداخله برای آموزش به والدین مفید باشد.

کلید واژه‌ها: مشاوره تربیتی، کیفیت رابطه والد-فرزندی، خودکارآمدی والدگری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).
Z.yousefi1393@khu.ac.ir

۳. دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

مقدمه

امروزه از دغدغه‌های خانواده‌ها و حتی متولیان حوزه‌ی تحول دوره‌ی نوجوانی، پرورش و تربیت مردان موفق است. از این‌رو، والدین به‌عنوان اولین عاملان تربیت، نقش مهمی در نمو موفقیت‌آمیز کودک دارند (هیرمان، تایلر، والس‌تون و بارکین^۱، ۲۰۱۷)؛ آن‌ها با فرزندان تعامل اجتماعی دارند، به فرزندان کمک می‌کنند تا عاطفه، احساسات و اخلاق‌شان را تنظیم کنند و مبادلات بین فردی‌شان را مدیریت، نظارت و تعدیل کرده و روابط پایدار و معناداری را شکل دهند؛ والدین، فرزندان‌شان را تشویق می‌کنند تا در محیط درگیر شوند و وارد دنیای یادگیری شوند (لیپولد، دیویس، لائوسون و مک‌هال^۲، ۲۰۱۶). آنان آموزش می‌دهند، توصیف می‌کنند، الگو می‌دهند و فرصت‌هایی را برای مشاهده، تقلید و یادگیری فرزندان‌شان فراهم می‌کنند. والدین محیط خانه، محیط‌های محلی و رسانه‌هایی را که کودکان در معرض آن هستند، سازمان‌دهی می‌کنند (برونستین^۳، ۲۰۱۳). کیفیت رابطه والد-کودک^۴ اغلب مستلزم مذاکره مجدد درباره قواعد، نقش‌ها و روابط راجع به موضوعات روزمره مانند فعالیت‌ها، دوستان، مسئولیت‌ها و ورود به مدرسه و دانشگاه است (شیارمن و دوملاو^۵، ۲۰۱۲). بنابراین کیفیت تربیتی و روابطی والد-کودک در سال‌های اولیه کودکی، مبنای تحول شناختی، اجتماعی و هیجانی آینده او را پایه‌گذاری می‌کند (لیپولد و همکاران، ۲۰۱۶). از این‌رو، کیفیت بالای روابط والد-کودک با درآمیختگی، ساختار و احترام متقابل زیاد و تعارض کم مشخص می‌شود (تازوتی و جارلگان^۶، ۲۰۱۹).

طبق تحقیقات گوناگون، مشکلات حاکم بر روابط والد فرزند، والدین را مستعد حالات خود سرزنی و تردید نسبت به توانایی و خودکارآمدی‌شان می‌کند و این امر نقش مهمی در ابعاد مختلف تحول کودک دارد (آرمسترانگ، ایگینز، رید، هارنت و دا^۷، ۲۰۱۸). در نتیجه به نظر می‌رسد که این مادران با مشکلاتی در خودکارآمدی والدگری^۸ مواجه باشند؛ خودکارآمدی والدگری یک ساختار بالقوه مهم شناختی، مربوط به کودکان و کارکرد خانواده است، که به طور گسترده به عنوان انتظارات مراقبت‌کنندگان در مورد توانایی هایشان که تا چه حد می‌توانند به عنوان والد، به گونه‌ای موفقیت‌آمیز عمل کنند، تعریف می‌شود (آلبانسی، روسو و گلر^۹، ۲۰۱۹). خودکارآمدی والدگری به ارزیابی مراقب نسبت به توانایی‌های خود، در نقش مراقب گفته می‌شود و اشاره به باورها یا قضاوت‌های یک والد از توانمندی‌هایش جهت نظم‌دهی و اجرای یک سری از تکالیف مربوط به والدگری با کودک را دارد (رضایی، غضنفری و رضائیان، ۱۳۹۶). همچنین علاوه بر تأثیری که بر نحوه تعامل مادر و کودک دارد، شیوه انضباطی مادر، باور مادر در مورد روش‌های والدگری و حتی حساسیت و پاسخگویی او را نیز پیش‌بینی می‌کند (نیکولاس، جرم، کاردامون-بریم، لاورنسی و یاپ^{۱۰}، ۲۰۲۰)؛ بنابراین مادرانی که در نقش والدگری خود احساس کارآمدی می‌کنند، روابطی گرم و منظم با کودکان خود دارند و برعکس مادرانی که احساس ناکارآمدی می‌کنند در رابطه خود با کودکان‌شان دچار مشکل هستند (تازوتی و جارلگان، ۲۰۱۹).

تحقیقات جدید نشان داده که آموزش والدین می‌تواند یک جنبه مهم در موفقیت فرزندان باشد (دالی، ون‌درارد، فرین، دانکرتس، دوپفتر و کورتیس^{۱۱}، ۲۰۱۴). بارلو^{۱۲} (۲۰۱۶) معتقد است آموزش والدین موجب شناخت آنان از ماهیت تربیتی فرزندان شده و اعتمادبه‌نفس‌شان را در خصوص نقش والدگری و خودکارآمدی والدگری بالا خواهد برد و نیز به آن‌ها کمک می‌کند تا رفتارهای نامناسب فرزند خود را مهار کرده و کاهش دهند و در تربیت آن‌ها احساس موفقیت بیشتری داشته باشند.

1. Heerman, Taylor, Wallston, & [Barkin](#)
2. Lippold, Davis, Lawson, & [McHale](#)
3. Bornstein
4. parent-child relationship
5. Shearman & Dumlao
6. [Tazouti](#) & [Jarlégan](#)
7. Armstrong, Eggins, Reid, Harnett, & Dawe
8. Parental self-efficacy
9. [Albanese](#), Russo & Geller
10. [Nicolau](#), Jorm, Cardamone-Breen, Lawrence & Yap
11. Daley, Van der Oord, Ferrin, Danckaerts, Doepfner & Cortese
12. Barlow

در برخی از برنامه‌های مبتنی بر فرهنگ غرب مانند برنامه استپ^۱، برنامه والدگری مثبت، بازی درمانگری والدینی و رویکردهای مبتنی بر رفتار والدین روش‌های مؤثرتری برای برقراری ارتباط با نوجوانان و حل مسائل و مشکلات ارتباطی با آنان را می‌آموزند؛ در واقع در طول این برنامه‌ها والدین با شیوه‌های والدگری که تاکنون داشته‌اند به چالش کشیده می‌شوند تا بتوانند نوجوانانی با اعتمادبه‌نفس بیشتر، مسئول‌تر و مستقل‌تر تربیت کنند (جونینین، کرن و گفروئر^۲، ۲۰۱۵)؛ از سوی دیگر به نظر می‌رسد کشف رابطه یا روابط بین فنون تربیت مؤثر در بین والدینی که موفق شده‌اند فرزندان خود را با موفقیت پرورش دهند یکی از شیوه‌های مهم در فرزندپروری و بهره‌گیری از تجارب این مادران موفق است و سپس تدوین الگوی نظری حاکم بر این تجارب می‌تواند نظریه‌ای بومی را در اختیار قرار دهد که به بسیاری از سؤالات و گره‌های تربیتی مادران بافت بومی پاسخ دهد؛ از این رو، والدین برای فراهم کردن زمینه‌های تربیت موفق در فرزندان، لازم است به اصول و روش‌های مورد نظر در تربیت و مقتضیات آن توجه کرده، بر طبق آنها به امر مهم تربیت فرزندان بپردازند؛ با این حال، این امر مهم با موانع و آفاتی مواجه است، به گونه‌ای که تا زمانی که آنها شناخته و یا برداشته نشوند، اصول و روش‌ها و مقتضیات غیراثربخش و هر تلاشی در این راستا بی نتیجه خواهد بود (سعادت، یوسفی و گل پرور، ۱۳۹۹)؛ در این خصوص رستمی، توزنده جانی و نجات (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان دادند که آموزش تعامل والد-کودک و شیوه‌های فرزند پروری بر بهبود کیفیت رابطه والد-کودک موثر است؛ همچنین رضایی و همکاران (۱۳۹۶) و دهقان منشادی، غلامرضایی و غضنفری (۱۳۹۵) نشان دادند که آموزش گروهی والدگری مثبت بر بهبود خودکارآمدی والدگری مادران اثرگذار است. همچنین ژئو، بین، وانگ و وانگ^۳ (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان دادند که آموزش روانشناختی خانواده محور بر بهبود خودکارآمدی مادران موثر است و یانگ، تراسی، جنسن، جیانگ و لیندر^۴ (۲۰۱۹) نیز نشان دادند که آموزش به مادران بر بهبود خودکارآمدی والدگری آنها موثر است. همچنین اوتو و کارباچ^۵ (۲۰۱۹) و تامورا^۶ (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان دادند که آموزش به والدین می‌تواند بر کیفیت روابط والد-کودک موثر باشد.

به نظر می‌رسد این بررسی‌ها باید با توجه به تغییرات و تحولات سریع جامعه و گوناگونی مسائل نوجوانان و جوانان و با توجه به گوناگونی فرهنگی کشورمان باید مداوم و در عین حال عینی و به‌روز باشد؛ هر چند که مسائل مربوط به تربیت و مشکلات نوجوانان از جوانب گوناگون شناختی، عاطفی، انگیزشی و روانی مورد بررسی قرار گرفته باشد (دینک مایر و مک کی، ۲۰۱۳). به طور کلی مداخلاتی که باعث بهبود مهارت‌های والدگری می‌شود، روی تعامل والد-کودک هم اثر مثبت دارد؛ از طرفی برنامه‌های آموزشی و پیشگیرانه مبتنی بر فرهنگ می‌تواند سطح خودکارآمدی در مادران را افزایش داده و از ناسازگاری‌های بین والد-کودک پیشگیری کند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد کشف رابطه یا روابط بین فنون تربیت مؤثر در بین والدینی که موفق شده‌اند فرزندان خود را با موفقیت پرورش دهند یکی از شیوه‌های مهم در فرزندپروری و بهره‌گیری از تجارب این مادران موفق است و سپس تدوین الگوی نظری حاکم بر این تجارب می‌تواند نظریه‌ای بومی را در اختیار قرار دهد که به بسیاری از سؤالات و گره‌های تربیتی مادران بافت بومی پاسخ دهد. لذا با توجه به مطالب پیشگفت به نظر می‌رسد تقویت خودکارآمدی والدگری از مهم‌ترین اهداف برنامه‌های آموزش والدین است که اطلاعات اندکی در این زمینه در دسترس است؛ از این رو، پژوهش حاضر بر آن است با تدوین بسته‌ی تربیتی بومی، اثربخشی آن را بر کیفیت روابط والد-فرزندی و خودکارآمدی والدینی مادران دارای فرزند نوجوان را بررسی نماید.

روش

پژوهش حاضر نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه گواه و پیگیری دو ماهه بود. جامعه آماری پژوهش ۷۸ مادر دارای فرزند نوجوان ۱۲ تا ۱۸ سال مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره یارستان شهر اصفهان در سال ۱۳۹۸ بود که از بین آنها ۴۰

1 Systematic training for effective parenting (STEP)

2. Jonyniene, Kern, & Gfroerer

3. Zhou, Yin, Wang, & Wang

4. Yang, Tracy, Jensen, Jiang, & Linder

5. Otto, & Karbach

6. Tamura

مادر با توجه به معیارهای ورود به پژوهش به صورت هدفمند انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۲۰ مادر) و گروه گواه (۲۰ مادر) جایگزین شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از داشتن حداقل مدرک دیپلم، داشتن پسر نوجوان بین ۱۲ تا ۱۸ سال، کسب نمره پایین در پرسشنامه رابطه والد-کودک و خودکارآمدی والدگری و شرکت در پژوهش با رضایت مکتوب و ملاک‌های خروجی که عبارت بودند از: داشتن اختلالات روان‌شناختی و مصرف دارو، داشتن اعتیاد و غیبت بیش از ۲ جلسه بود.

محتوای بسته آموزشی مشاوره تربیتی بومی حاصل تحلیل مصاحبه کیفی است که پس از استخراج کدها و مضمون‌ها بر اساس مضامین اصلی و فرعی اقدام به تدوین بسته مشاوره تربیتی کرده و سپس به تأیید ۵ متخصص (اعضای هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی، اصفهان و گنبدکاووس) در حوزه مشاوره تربیتی رسید. پس از تدوین بسته آموزشی، آموزش توسط محقق به عنوان دانشجوی دکتری و در اتاق جلسات مرکز مشاوره یارستان زیر نظر استاد راهنما به صورت جلسات تئوری و عملی انجام شد که خلاصه جلسه‌های آموزشی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. خلاصه بسته تدوین شده آموزشی مشاوره تربیتی بومی

جلسه	خرده اهداف	فنون رفتاری
اول	کار روی رابطه فعلی والد-فرزند	۱. اصول گفتگوی مادران با فرزند نوجوان اصلاح شود ۲. مهارت‌ها و مولفه‌های ارتباطی والد-فرزند تقویت شود ۳. مهارت‌های حرف زدن (توجه به خود) مادر با فرزند بهبود یابد ۴. مهارت‌های گوش دادن (توجه به خواسته‌های فرزند نوجوان) مادر با فرزند بهبود یابد
دوم	آشنایی و مهارت آموزی مادران با سبک‌ها، مهارت‌ها و الگوهای ارتباطی	۵. معرفی سبک‌های ارتباطی به مادران ۶. مهارت‌های دلگرمی دادن به فرزند در مادران تقویت شود ۷. فهمیدن فرزند از سوی مادر
سوم	آشنایی و مهارت آموزی مادران با سبک‌ها و مهارت‌های مدیریت رابطه والد-فرزندی	۸. اهمیت و درک طبیعی بودن تعارض بین والد-فرزندی به مادران آموزش داده شود ۹. فرایندهای مولد تعارض در رابطه مادر با فرزند تشریح شود ۱۰. فرایندهای حل تعارض در خانواده به مادران آموزش داده شود ۱۱. آشنایی با گام‌های حل تعارض به مادران در پی حل تعارض والد-فرزندی
چهارم	مهارت آموزی مادران با فرایند حل تعارض و کاربرد مهارت‌ها و خودکارآمدی والدین در مدیریت رابطه مثبت والد-فرزندی	۱۲. احترام متقابل (بین مادر و فرزند) به مادران آموزش داده شود ۱۳. مشخص کردن مشکل واقعی مادر و فرزند و راهکاری حل آن به مادران آموزش داده شود. ۱۴. پیدا کردن زمینه‌های مورد توافق بین مادر و فرزند بر سر مسائل مورد مناقشه مادر و فرزند ۱۵. مشارکت متقابل در تصمیم‌گیری‌ها به مادران آموزش داده شود.
پنجم	آموزش مهارت‌های ارتباطی (کلامی و غیرکلامی)	۱۶. بهبود مهارت‌های ارتباط کلامی والدین با نوجوانان ۱۷. آموزش انواع مهارت‌های ارتباط کلامی ۱۸. آموزش انواع مهارت‌های غیرکلامی
ششم	آموزش الگوهای تعاملاتی خانواده	۱۹. حمایت کردن از نوجوان، کار کردن رو نقش‌ها، شفاف سازی ساختار خانواده (شامل شناخت مرزها، ائتلاف‌ها، تعارضات و...) و الگوهای تعاملاتی صحیح در خانواده به مادران آموزش داده شود. ۲۰. ارتباط درست و صادقانه ایجاد کردن و بررسی نشانه‌های فردی در خانواده به مادران آموزش داده شود.
هفتم	آموزش مسئولیت‌پذیری به نوجوان با تقویت مادر	۲۱. اصلاح مرزبندی‌ها و تعیین نمودن محدودیت‌ها به مادران و همچنین

توجه به استقلال نوجوان به مادران آموزش داده شود.
 ۲۲. نحوه دادن مسئولیت به نوجوان و آموزش صحیح مسئولیت پذیری و تقویت مسئولیت پذیری در نوجوان به مادران آموزش داده شود.

هشتم آموزش هیجان‌ات آسیب زای والدین و جمع بندی ۲۳. آموزش به اعضا برای بحث و بررسی ارتباط با نوجوانان در مورد مطالب دوره آموزشی مقاومت در برابر فشارهای منفی همسالان برای مقابله با رفتارهای پر خطر مانند استفاده از مواد و...
 ۲۴. جمع بندی مطالب دوره، پرسش و پاسخ
 ۲۵. اجرای پس آزمون

مقیاس رابطه والد-کودک^۱: این مقیاس یک پرسشنامه خودگزارشی است که توسط پیان‌تا برای نخستین بار در سال ۱۹۹۴ ساخته شد. این پرسشنامه شامل ۳۳ گویه است که ادراک والدین را در مورد رابطه خود با کودک می‌سنجد. در مقیاس رابطه مادر و کودک یک مقیاس لیکرتی ۵ نقطه‌ای از ۱ = قطعاً صدق می‌کند و ۵ = قطعاً صدق نمی‌کند را در برمی‌گیرد (پیان‌تا، ۱۹۹۴). پایایی این ابزار توسط ابارشی، طهماسیان، مظاهری و پناغی (۱۳۸۸) ۰/۸۴ گزارش شد؛ همچنین روایی محتوایی آن نیز توسط متخصصان قابل قبول ارزیابی شد هرچه نمره این مقیاس بیشتر باشد نشان دهنده رابطه بهتر است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد.

مقیاس خودکارآمدی والدینی^۲: این مقیاس شامل ۱۰ گویه است که ۵ عبارت مثبت و ۵ عبارت منفی را شامل می‌شود. مقیاس خودکارآمدی والدینی در سال ۱۹۹۶ توسط دومکا، استرزینگر، جکسون و روسا طراحی شد و برای اندازه‌گیری خودکارآمدی والدگری مقیاسی ناوابسته به فرهنگ و ناوابسته به زبان است. این مقیاس ۳ مؤلفه عمده را می‌سنجد: احساس والدین در مورد توانایی والدگیشان، اطمینان آن‌ها در مورد عمل موفقیت‌آمیزشان در نقش والدگری و ارزیابی توانایی آن‌ها برای مدیریت رفتار فرزندان‌شان (دومکا و همکاران، ۱۹۹۶). گویه‌ها به شکل لیکرت ۷ درجه‌ای هستند که طیف آن از یک (به‌ندرت) تا ۷ (همیشه) است. در مطالعه تایلر (۲۰۰۶) آلفای ۰/۵۴ به دست آمد. همچنین روایی صوری این پرسشنامه و آلفای کرونباخ ۰/۷۰ است (ابارشی و همکاران، ۱۳۸۸). هرچه نمره این مقیاس بالاتر باشد نشان دهنده خودکارآمدی بیشتر است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد.

یافته‌ها

۴۰ مادر شرکت کننده در دو گروه ۲۰ نفری بودند که مقایسه سن، وضعیت تحصیلات و وضعیت اشتغال آنان به تفکیک گروه های آزمایش و گواه در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. مقایسه میانگین سن، وضعیت تحصیلی و وضعیت اشتغال مادران به تفکیک گروه های آزمایش و گواه

متغیرها	گروه آزمایش	گروه گواه	P Value	X ²
سن	۴۳/۷۴ ± (۶/۰۱)	۴۴/۱۴ ± (۶/۳۲)	۰/۱۶	۱/۳۵
تحصیلات			۰/۲۳	۱/۱۴
دیپلم	۳ (٪۱۵)	۴ (٪۲۰)		
فوق دیپلم	۴ (٪۲۰)	۳ (٪۱۵)		
لیسانس	۱۰ (٪۵۰)	۸ (٪۴۰)		
فوق لیسانس	۳ (٪۱۵)	۵ (٪۲۵)		
وضعیت شغلی			۰/۰۹	۱/۸۵
خانه دار	۸ (٪۴۰)	۷ (٪۳۵)		

1. Parent-child relationship scale
2. Parental Self-Efficacy Scale

شغل آزاد	۶/(۳۰)	۴/(۲۰)
کارمند	۶/(۳۰)	۹/(۴۵)

بر اساس نتایج جدول ۲ گروه های آزمایش و گواه بر اساس آزمون یو من- ویتنی از نظر سن، وضعیت تحصیلات و وضعیت اشتغال قبل از مداخله تفاوت معناداری ندارند ($P < 0/05$). نتایج میانگین و انحراف معیار کیفیت رابطه والد-کودک و خودکارآمدی والدگری به تفکیک گروه های آزمایش و گواه در مراحل ارزیابی در جدول ۳ ارائه شد.

جدول ۳. شاخصه های توصیفی رابطه والد-فرزندی و خودکارآمدی والدگری برای گروه گواه و آزمایش در سه مرحله پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری

متغیر	شاخص های آماری	پیش آزمون		پس آزمون		پیگیری	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
رابطه والد-فرزندی	آزمایش	۱۱۲/۸۵	۶/۹۳	۱۲۰/۴۵	۸/۸۱	۱۱۹/۹۰	۸/۸۴
	گواه	۱۱۰/۳۵	۵/۴۱	۱۱۰/۸۶	۵/۰۵	۱۱۲/۰۵	۴/۶۷
خودکارآمدی	آزمایش	۴۲/۱۰	۳/۹۴	۴۵/۰۰	۳/۳۲	۴۴/۹۰	۳/۱۴
	گواه	۴۱/۴۰	۳/۱۸	۹۵	۲/۷۹	۴۱/۱۵	۲/۳۴

اطلاعات جدول ۳ حاکی از بهبود نمره رابطه والد-فرزندی و خودکارآمدی والدگری در مادران گروه آزمایش شده است. برای بررسی اثربخشی مداخله آزمایشی بر کیفیت رابطه والد-کودک و خودکارآمدی والدگری از تحلیل واریانس اندازه های مکرر استفاده شد. استفاده از تحلیل واریانس اندازه های مکرر مستلزم رعایت برخی پیش فرض های آماری است که در پژوهش حاضر اعمال شد. برای بررسی نرمال بودن داده ها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد؛ با توجه به این جدول آماره Z کلموگراف-اسمیرنوف برای تمامی متغیرها معنی دار نیست. لذا می توان نتیجه گرفت که توزیع این متغیرها نرمال می باشد ($p > 0/05$). جهت بررسی همگنی واریانس متغیرهای وابسته پژوهش از آزمون لوین استفاده شد که نتایج نشان داد که واریانس کیفیت رابطه والد-کودک ($F_{1,18} = 1/63, p < 0/19$) و خودکارآمدی والدگری ($F_{1,18} = 1/60, p < 0/20$) در گروه ها برابر است. همچنین آماره W موخلی برای متغیرهای پژوهش در سطح $0/01$ معنی دار می باشد. این یافته نشان می دهد که واریانس تفاوت ها در بین سطوح متغیر وابسته به صورت معنی داری متفاوت است؛ بنابراین پیش فرض کرویت رعایت نمی شود. در این شرایط باید از اصلاح اِپسِلین گرین هاوس گیسر استفاده شود؛ بنابراین در ادامه برای تفسیر نتایج آزمون اثرهای درون آزمودنی ها از این آماره استفاده شد. در جدول ۴ نتایج آزمون تحلیل واریانس مختلط اندازه های تکراری گزارش شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس مختلط با اندازه گیری های مکرر در سه گروه در سه مرحله

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معناداری	
						اثر	اثر
رابطه والد-فرزندی	مراحل مداخله	۴۷۵/۸۱	۱/۱۹ و ۴۵/۴۴	۳۹۷/۹۰	۴۰/۶۴	۰/۰۰۱	۰/۵۱
	مراحل × گروه	۲۷۳/۰۶	۱/۱۹ و ۴۵/۴۴	۲۲۸/۳۵	۲۳/۳۲	۰/۰۰۱	۰/۳۸
	بین گروهی	۱۳۲۵/۳۴	۱ و ۳۸	۱۳۲۵/۳۴	۱۰/۳۰	۰/۰۰۳	۰/۲۱
خودکارآمدی	مراحل مداخله	۵۹/۷۱	۱/۴۵ و ۵۵/۴۴	۴۰/۹۳	۱۲/۱۴	۰/۰۰۱	۰/۲۴
	مراحل × گروه	۳۲/۷۱	۱/۴۵ و ۵۵/۴۴	۲۲/۴۲	۶/۶۵	۰/۰۰۲	۰/۱۴
	بین گروهی	۱۴۰/۸۳	۱ و ۳۸	۱۴۰/۸۳	۵/۶۱	۰/۰۲۳	۰/۱۲

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که برنامه بسته مشاوره تربیتی بومی بر نمره رابطه والد-فرزندی ($F = 10/30$ و $P = 0/003$) با اندازه اثر $0/21$ ، خودکارآمدی والدگری ($F = 5/61$ و $P = 0/023$) با اندازه اثر $0/12$ موثر بوده است.

جدول ۵. نتایج آزمون تعقیبی بنفرونی در سه مرحله پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری

شاخص‌های آماری	پیش آزمون - پس آزمون			پیش آزمون - پیگیری			پس آزمون - پیگیری		
	تفاوت	انحراف	سطح	تفاوت	انحراف	سطح	تفاوت	انحراف	سطح
	میانگین	معیار	معناداری	میانگین	معیار	معناداری	میانگین	معیار	معناداری
رابطه والد - فرزندی	۴/۰۵	۰/۶۱	۰/۰۰۱	۴/۳۷	۰/۶۶	۰/۰۰۱	۰/۳۲	۰/۲۳	۰/۵۴
خودکارآمدی والدگری	۱/۷۲	۰/۲۶	۰/۰۰۱	۰/۹۵	۰/۳۲	۰/۰۱۶	۰/۷۷	۰/۴۴	۰/۲۶

جدول ۵ نتایج آزمون بنفرونی نشان می‌دهد تفاوت میانگین نمرات رابطه والد-فرزندی ($P=۰/۰۰۱$)، خودکارآمدی والدگری ($P=۰/۰۵$) بین مراحل پیش آزمون با پس آزمون و پیگیری معنادار است؛ اما تفاوت میانگین بین پس آزمون و پیگیری در هیچ یک از متغیرهای پژوهش معنادار نیست که بیانگر آن است که نتایج حاصل در مرحله پیگیری بازگشت نداشته و اثر مداخله پایدار بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه مادران دارای فرزند پسر نوجوان با مشکلات تربیتی و ارتباطی فراوانی مواجه هستند؛ برای بهبود روابط بین آنها نیاز به مداخلات و آموزش‌های ویژه تربیتی دارند؛ در نتیجه پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی برنامه آموزش بسته مشاوره تربیتی بومی بر کیفیت رابطه والد-فرزندی و خودکارآمدی والدگری مادران دارای پسران نوجوان بود. تحلیل نتایج اندازه‌های مکرر نشان داد که بسته مشاوره تربیتی بومی بر افزایش کیفیت رابطه والد-فرزندی مادران موثر بود. یافته‌های این پژوهش با نتایج سعادت و همکاران (۱۳۹۹)، رستمی و همکاران (۱۳۹۸)، پایدارنیک و همکاران (۱۳۹۴)، تامورا (۲۰۱۹) و اوتو و کارباچ (۲۰۱۹) همسو است. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که با ارائه آموزش مبتنی بر بسته آموزشی تربیتی بومی شده به مادران که بر رابطه والد و کودک تأکید شده و این نکته که ممکن است اعمال و خلق و خوی والدین، رفتار کودک را تحت تأثیر قرار دهد در این بسته آموزشی مورد توجه قرار گرفت؛ با آموزش روش والدگری دموکراتیک به والدین جهت تغییر روش والدگری خود از خودکامه یا نازپرور به مقتدرانه و ارتقاء توانایی‌های والدگری باعث ارتقاء حرمت خود و اعتمادبه‌نفس والدین و کودکان گشته و در نتیجه تعامل آن‌ها را بهبود می‌بخشد؛ این برنامه والدین را ترغیب می‌کند تا هدف‌های بدر رفتاری فرزندان خود را بشناسند، به روش‌های والدگری خود توجه کنند، به فرزندان خود احترام گذاشته و به او اعتماد کنند، قوانینی برای رفتار تعیین کنند و به کودکان خود حق انتخاب دهند (سعادت و همکاران، ۱۳۹۹).

افزون بر آن، در خانواده‌های با مرزهای بیش از حد منعطف نیز ادراک نوجوان نشان‌دهنده‌ی عدم دریافت حمایت عاطفی، سردرگمی و ابهام در مورد انتظارات مادران بوده است و نوجوان از طریق رفتارهای پرخطر و یا تظاهر به بیماری، سعی در روشن کردن انتظارات مادران و دریافت حمایت عاطفی از جانب آن‌ها داشته است (سعادت و همکاران، ۱۳۹۹). این یافته‌ی تازه نشان‌دهنده‌ی آن است که در بافت خانواده محور جامعه‌ی ما، برخلاف بافت بسیاری از جوامع دیگر که در آن تأکید بر فردیت‌گرایی است، آزاد گذاشتن بیش از حد نوجوان و مرزبندی‌های سهل‌گیرانه می‌تواند کارکردی منفی داشته باشد و علاوه بر ایجاد نارضایتی در نوجوانان، از طریق کاهش احساس امنیت و تعلق خاطر، به بنیان خانواده نیز آسیب برساند (شریعتمدار و همکاران، ۱۳۹۷). از این رو، به نظر می‌رسد افزایش بهبود رابطه والد-فرزندی، دانش، مهارت و اعتمادبه‌نفس، خودکارآمدی، کاهش تنیدگی والدگری و خوش‌فکری والدین در تربیت و تعامل با فرزند نوجوانشان، باعث کاهش چالش‌ها و تعارضات والد-فرزندی شده است.

تحلیل نتایج اندازه‌های مکرر نشان داد که بسته مشاوره تربیتی بومی بر افزایش خودکارآمدی والدگری مادران موثر بود. یافته‌های این پژوهش با نتایج سعادت و همکاران (۱۳۹۹)، رضایی و همکاران (۱۳۹۶)، آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۸)، بارلو و همکاران (۲۰۱۶)، جونینین و همکاران (۲۰۱۵)، هیث و همکاران (۲۰۱۵) و دینک مایر و مک کی (۲۰۱۳) همسو است.

حس خودکارآمدی بالا در والدین باعث تلاش، مقاومت و انعطاف بیشتری می‌شود که یکی دیگر از محورهای اصلی بسته آموزشی مشاوره تربیتی بومی بود که به مادران آموزش داده شد. نتایج نشان داد که عملکرد والدین به شدت متأثر از عقاید خودکارآمدی آنان است؛ به همین خاطر، یک والد توانمند ممکن است به دلیل عدم اعتقاد به توانایی و شایستگی خود، از توانایی والدگری خود به نحو مطلوبی استفاده نکند (جیالو و همکاران، ۲۰۱۳)؛ در این پژوهش مادران گروه آموزش از آموزش مشاوره تربیتی بومی شده بسیار استقبال کردند و آن‌ها را در تمرین‌های خود به کار بردند؛ بازخوردهای آن‌ها نشان داد که به‌کارگیری اصول والدگری دموکراتیک در تعامل اعضای خانواده با یکدیگر رضایت‌بخش بوده است؛ از طرفی آموزش این اصول برای مادران چالش‌برانگیز بود و بحث‌ها و گفتگوهای زیادی را در گروه به همراه داشت. از نظر پژوهشگر اجرای آموزش والدین بر اساس بسته مشاوره تربیتی بومی شده در خانواده‌ها نیازمند آگاهی کامل والدین به اصول تربیتی مبتنی بر بافت و فرهنگ آن خانواده است و اولین هدف جلسات باید تمایل همه به شنیدن صادقانه حرف‌های دیگران باشد؛ قبل از اینکه راه حل مطلوبی پیدا بشود باید شنیدن حرف‌های دیگران و درک منظور آن‌ها یک عادت شود؛ در واقع والدین ابتدا با شیوه‌های والدگری خود به‌طور کامل آشنا شوند و تغییرات لازم را در نگرش‌هایشان، به تربیت متناسب با جوی که در آن زندگی می‌کنند بدهند و بعد با اجرای آموزش‌ها در خانواده، جو حاکم بر خانواده را تغییر دهند (علیزاده و سجادی، ۱۳۹۶).

بهره‌مند بودن از اطلاعات کافی در زمینه شناخت از بافت و فرهنگ زندگی قبلی و فعلی خود، شناخت از کودک و درک رفتارها، علل و مشکلات رفتاری اوست؛ جالب‌توجه است که از مدت‌ها قبل، در جامعه برای افرادی که به نحوی با کودکان سروکار دارند، مانند معلمان، مشاوران، روانشناسان و روان‌پزشکان آموزش‌های ویژه‌ای وجود داشته است، اما والدین که مهم‌ترین نقش را در زندگی کودکان دارند، معمولاً وظیفه پرورش فرزند را بدون آموزش خاص بر عهده‌دارند (شریعتمدار و همکاران، ۱۳۹۷). این در شرایطی است که اغلب والدین اطلاعات و آشنایی کافی در زمینه شیوه برخورد و تربیت فرزندان خود ندارند و این امر مهم به علت فقر فرهنگی و تربیتی والدین، سرپرستی ناقص یکی از والدین، نابسامانی‌های خانوادگی و یا اختلاف‌ها، مشاجره‌ها و جدایی والدین است؛ چنانچه مشکلات رفتاری کودکان در سنین قبل از مدرسه باشد، دست نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور در راهنمایی و هدایت کودکان تا حد زیادی بسته خواهد بود و برنامه اساسی و مهمی نمی‌تواند اعمال کند؛ در چنین مواردی ضرورت دارد که عامه مردم، به‌ویژه والدین جوان از طریق رسانه‌های گروهی آموزش‌های لازم را دریافت کنند و مراکز مشاوره و راهنمایی کودک و والدین در مناطق مختلف با امکانات کافی ایجاد شود؛ بنابراین، تلاش در زمینه ایجاد بستری مناسب برای والدین و کارآمد شدن آنان برای برخورد درست با کودکانشان از وظایف مهم تمام کسانی است که در امر تعلیم و تربیت کودکان سهیم هستند (علیزاده و سجادی، ۱۳۹۶).

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به مدت کم دوره آموزشی، فشرده بودن دوره، نداشتن فرصت کافی برای به‌تمرین در آوردن آموزش‌های داده شده و مشغله زیاد مادران در کنار غیربومی بودن ابزارهای پژوهشی اشاره کرد که می‌تواند نتایج پژوهش را تأثیر قرار دهد لذا در تبیین نتایج باید جانب احتیاط رعایت شود؛ از این رو پیگیری با فاصله زمانی بیشتر برای اطمینان از پایایی تأثیر مداخلات و ساخت ابزار بومی با توجه به تفاوت فرهنگی متنوع لازم است. پیشنهاد می‌شود که برنامه آموزش والدین برای پیشگیری و اصلاح روابط مادران با پسران نوجوان خود آموزش داده شود تا شاهد کاهش تعارضات کمتری بین والدین و پسران نوجوان جامعه باشیم.

References

- Abareishi Z, Tahmasian K, Mazaheri M A, Panaghi L. (2009). The impact of psychosocial Child Development training program, done through improvement of mother-child interaction, on parental self-efficacy and relationship between mother and child under three. *RPH*, 3(3): 49-58. [\[Link\]](#)
- Albanese A.M, Russo G.R, Geller P A. (2019). The role of parental self- efficacy in parent and child well- being: A systematic review of associated outcomes. *Child: care, health and development*, 45(3): 333-363. [\[Link\]](#)
- Alizadeh H, Sajadi H. (2017). *Rudolf Drivers: Democratic Relations and Mutual Respect*. Tehran: *Danjeh Publishing*.

- Armstrong E, Eggins E, Reid N, Harnett P, Dawe S. (2017). Parenting interventions for incarcerated parents to improve parenting knowledge and skills, parent well-being, and quality of the parent-child relationship: A systematic review and meta-analysis. *Journal of Experimental Criminology*, 14(3): 279-317. [\[Link\]](#)
- Barlow J. (2016). Effects of parenting programmes: A review of six Campbell systematic reviews (Campbell Policy Brief No. 1).
- Bornstein M H. (2013). Acculturation and Parent-child Relationships: Measurement and Development. (pp. 173-196). New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- Daley D, Van der Oord S, Ferrin M, Danckaerts M, Doepfner M, Cortese S. (2014). Behavioral interventions in attention-deficit/hyperactivity disorder: A meta-analysis of randomized controlled trials across multiple outcome domains. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 53(8): 835-847 [\[Link\]](#)
- Dinkmeyer D, McKay J L. (2013). *Parenting Teenagers, Systematic Training for Effective Parenting of Teens*. STEP publishers.
- Dumka LE, Stoerzinger HD, Jackson KM, & Roosa M.W. (1996). Examination of the Cross-cultural and cross-language equivalence of the parenting self-agency measure. *Family Relations*. 45(2): 216-222 [\[Link\]](#)
- Heerman W.J, Taylor J.L, Wallston KA, Barkin SL. (2017). Parenting Self-Efficacy, Parent Depression, and Healthy Childhood Behaviors in a Low-Income Minority Population: A Cross-Sectional Analysis. *Matern Child Health J*. 21(5): 1156-1165. [\[Link\]](#)
- Heath C.L, Curtis D.F, Fan W. & Mc Pherson R. (2015) the Association between Parenting Stress, Parenting Self-Efficacy, and the Clinical Significance of Child ADHD Symptom Change Following Behavior Therapy. *Child Psychiatry Hum* 46(1): 118-129. [\[Link\]](#)
- Giallo R, Treyvaud K, Cooklin A, Wade C. (2013). Mothers' and fathers' involvement in home activities with their children: psychosocial factors and the role of parental self-efficacy. *Journal Early Child Development and Care*, 183(3-4): 343-359. [\[Link\]](#)
- Lippold M A, Davis K D, Lawson K M, McHale SM. (2016) Day-to-day Consistency in Positive Parent-Child Interactions and Youth Well-Being. *J Child FAM Stud* 25(12): 3584-3592. [\[Link\]](#)
- Jonyniene J, Kern R M, Gfroerer K P. (2015). Efficacy of Lithuanian Systematic Training for Effective Parenting (STEP) on Parenting Style and Perception of Child Behavior. *The Family Journal*, 23(4): 392-406. [\[Link\]](#)
- Nicolas C C, Jorm A F, Cardamone- Breen M C, Lawrence K A, Yap M B. (2020). Parental Self- Efficacy for Reducing the Risk of Adolescent Depression and Anxiety: Scale Development and Validation. *JRA*, 30(1): 249-265. [\[Link\]](#)
- Otto B, Karbach J. (2019). The effects of private tutoring on students' perception of their parents' academic involvement and the quality of their parent-child relationship. *Journal of Experimental Educational Psychology*, 39(7); 923-940 [\[Link\]](#)
- Pianta R C. (1994). Patterns of relationships between children and kindergarten teacher. *Journal of School Psychology*, 8(4): 15-32. [\[Link\]](#)
- Rezaei F, Ghazanfari F, Rezaeean M. (2017). The Effectiveness of Positive Parenting Program (Triple-P) in Parental stress and Self Efficacy of mothers and behavioral problems of students with educable mental retardation. *JMS*, 5 (1): 7-16. [\[Link\]](#)
- Rostami S, Toozandehjani H, Nejat H. (2019). The Comparison of the Effectiveness of Parent-Child Interaction Training and Adler-Dreikurs Parenting Training on Improving the Quality of the Parent-Child Relationship in divorced Mother's Children. *JNKUMS*, 11 (3): 46-55. [\[Link\]](#)
- Saadati N, Yousefi Z, Gholparvar M. (2020). The Effectiveness of the systematic training for effective parenting (STEP) on Parenting Stress, Emotion Regulation, and Cognitive

- Flexibility in Isfahan Male Adolescent Mothers. *Quarterly of Applied Psychology*, 14(2): 178-192. [[Link](#)]
- Shariatmadar A, Amini A, Emadi F. (2018). Family boundaries and Basic Safety: Compare the Parent-Adolescent Perception about the Flexibility of family boundaries based on Development. *JCR*, 17(67): 61-83. [[Link](#)]
- Shearman S, Dumlao R. (2012). A Cross-Cultural Comparison of Family Communication Patterns and Conflict between Young Adults and Parents. *Journal of Family Communication*. 8. 186-211. [[Link](#)]
- Tamura T. (2019). Effect of Perceived Parent–Child Relationship in Childhood on Resilience in Japanese Youth. *Psychological Reports*, 122(2), 485–505. [[Link](#)]
- Tazouti Y, Jarlégan A. (2019). The mediating effects of parental self-efficacy and parental involvement on the link between family socioeconomic status and children’s academic achievement. *Journal of Family Studies*, 25(3): 250-266. [[Link](#)]
- Tylor S. (2006). An investigation of the relationship between black single mothers’ myth/stereotype acceptance, parental self-efficacy, and childrearing practices. MSc Thesis, Boston College.
- Yang R, Tracy E L, Jensen B, Jiang Y, Linder L. (2019). The Effect of Screen Viewing Duration and Self-Efficacy in Limiting Screen Viewing on Loneliness in Adolescent-Parent Dyads: An Application of the Actor-Partner Interdependence Model. *Journal of Pediatric Nursing*, 47: 106-113. [[Link](#)]
- Zhou Y, Yin H, Wang M, Wang J. (2019). The effect of family-focused psychoeducational therapy for autism spectrum disorder children's parents on parenting self-efficacy and emotion. *Archives of Psychiatric Nursing*, 33(1): 17-22. [[Link](#)]

